

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطيف صديقي للندري

فخر بيان

بیا باری تو ای جانان شو شور و فغان من
تو از نزدیک بین مهجوری و درد نهان من
منم بیمار تو جانان به بالین آ طیب من
که دیدار تو می باشد دوی روح و جان من
سر و مال و دل و جانم فدای عشق تو بادا
مکن در غربتم ای مه دگر تو امتحان من
بیا باری به پیش من که جانم آشنای توست
به غیر از تو که داند راز دل ای رازبان من؟
ز بس بگریستم بین آب چشمم شد روان هرسو
تو ره ده ای خدا در باغ یار آب روان من
نمیدانم چرا امشب نفس در سینه ام تنگ است
مگر خواهد دلش امشب براید از روان من
خدایا بهر دیدارش سرشک خون رود از چشم
شود روشن ز چشمانش دو چشم خونفشان من
گهی از سوز جان خود چنان آهی کشم جانان
شراره می کشد آتش ازین آه و فغان من
لطیفاً گریه شبی یارم ز دل مهمان جان گردد
چه بی غم می شود جانم ز درد بی کران من